

امام صادق (ع) از منظر بزرگان اهل سنت



پیشوایان مذاهب اهل سنت، عالمان نامدار اسلامی و صاحب نظران زبردست در باره برجستگی‌های علمی، عملی، اخلاقی، کرامت و عظمت امام جعفر صادق علیه السلام بسیار سخن گفته‌اند. در این نوشتار به طور گذرا به بیان برخی از این اظهار نظرها و اعترافات پرداخته شده است. درباره عظمت امام صادق علیه السلام نه تنها توسط شیعیان به فراوانی سخن گفته شده است، بلکه در این باره جمع کثیری از دانشوران و بزرگان اهل تسنن و جماعت لب به سخن گشوده‌اند. پیشوایان مذاهب اهل سنت، عالمان نامدار اسلامی و صاحب نظران زبردست در باره برجستگی‌های علمی، عملی، اخلاقی، کرامت و عظمت آن امام هدایت، امام جعفر صادق علیه السلام بسیار سخن گفته‌اند. اینک در این نوشتار به طور گذرا به بیان برخی از این اظهار نظرها و اعترافات می‌پردازیم.

* ابوحنیفه و امام صادق علیه السلام

"نعمان بن ثابت بن زوطی" معروف به "ابو حنیفه" (80 - 150 ه. ق.) پیشوای فرقه حنفی که از نظر زمانی معاصر با امام صادق علیه السلام بود، درباره عظمت امام صادق علیه السلام اظهارات و اعترافات خوبی دارد. از جمله درباره آن حضرت گفت:

"ما رأیت افقه من جعفر بن محمد و انه اعلم الامه؛ من فقیه تر و داناتر از جعفر بن محمد ندیده‌ام. او داناترین فرد این امت است. (1)

در زمان امام صادق علیه السلام منصور دوانقی، خلیفه مقتدر عباسی، قدرت سیاسی را در اختیار داشت، او همواره از مجد و عظمت بنی علی و بنی فاطمه به ویژه امام صادق علیه السلام رنج می‌برد و برای رهایی از این رنج گاهی ابوحنیفه را تحریک می‌کرد که در برابر امام صادق علیه السلام بایستد؛ منصور عباسی او را به عنوان مهم‌ترین دانشوران عصر تکریم می‌کرد تا شاید بتواند بر مجد و عظمت علمی امام جعفر بن محمد علیه السلام فائق آید.

در این رابطه خود ابوحنیفه نقل می‌کند و می‌گوید:

"روزی منصور دوانقی کسی را نزد من فرستاد و گفت: ای ابوحنیفه! مردم شیفته جعفر بن محمد شده‌اند، او در بین مردم از پایگاه اجتماعی وسیعی بهره‌مند است، تو برای این که پایگاه جعفر بن محمد را خنثی کنی و در دید مردم از عظمت او به خصوص از عظمت علمی او بکاهی، چند مساله پیچیده و غامض را آماده کن و در وقت مناسب از او بپرس تا بلکه با ناتوان شدن جعفر بن محمد از پاسخ‌گویی، او را تحقیر نمایی و دیگر، مردم شیفته او نباشند و از او فاصله بگیرند.

در همین رابطه من چهل مساله مشکل را آماده کردم و در یکی از روزها که منصور در "حیره" بود و مرا طلبید، به حضورش رسیدم. همین که وارد شدم، دیدم جعفر بن محمد در سمت راستش نشسته است، وقتی که چشمم به آن حضرت افتاد، آن چنان تحت تاثیر ابهت و عظمت او قرار گرفتم که از توصیف آن عاجزم. با دیدن منصور خلیفه عباسی آن ابهت به من دست نداد، در حالی که منصور خلیفه است و خلیفه به جهت این که قدرت سیاسی در اختیارش است باید ابهت داشته باشد. سلام گفتم و اجازه خواستم تا در کنارشان بنشینم؛ خلیفه با اشاره اجازه داد و در کنارشان نشستم. آن گاه منصور عباسی به جعفر بن محمد نگاه کرد و گفت:

ابو عبدالله! ایشان ابوحنیفه هستند.

او پاسخ داد: بلی، او را می‌شناسم. سپس منصور به من نگاهی کرد و گفت: ابوحنیفه! اگر سوالی داری از ابوعبدالله، جعفر بن محمد بپرس و با او در میان بگذار. من گفتم: بسیار خوب. فرصت را غنیمت شمردم و چهل مساله‌ای را که از پیش آماده کرده بودم، یکی پس از دیگری با آن حضرت در میان گذاشتم. بعد از بیان هر مساله‌ای، امام صادق علیه السلام در پاسخ آن بیان می‌فرمود:

عقیده شما در این باره چنین و چنان است، عقیده علمای مدینه در این مساله این چنین است و عقیده ما هم این است.

در برخی از مسائل آن حضرت با نظر ما موافق بود و در برخی هم با نظر علمای مدینه موافق بود و گاهی هم با هر دو نظر مخالفت می‌کرد و خودش نظر سومی را انتخاب می‌کرد و بیان می‌داشت.

من تمامی چهل سؤال مشکلی را که برگزیده بودم یکی پس از دیگری با او در میان گذاشتم و جعفر بن محمد هم بدین گونه‌ای که بیان شد به جملگی آنها، با متانت تمام و با تسلط خاصی که داشت پاسخ گفت.

مالك ابن انس مي گوید: در طول مدتی که به خانه آن حضرت آمد و شد داشتم، او را ندیدم جز این که در یکی از این سه خصلت و سه حالت به سر می‌برد، یا او را در حال نماز خواندن می‌دیدم و یا در حالت روزه‌داری و یا در حالت قرائت قرآن.

سپس ابوحنیفه بیان داشت:

"ان اعلم الناس اعلمهم باختلاف الناس"؛ "همانا دانشمندترین مردم کسی است که به آراء و نظریه‌های مختلف دانشوران در مسائل علمی احاطه و تسلط داشته باشد." و چون جعفر بن محمد این احاطه را دارد، بنابراین او داناترین فرد است." (2)

همو درباره عظمت علمی امام صادق علیه السلام بیان داشت:

"لولا جعفر بن محمد ما علم الناس مناسك حجهم" (3)؛ اگر جعفر بن محمد نبود، مردم احکام و مناسک حجشان را نمی‌دانستند.

* مالك بن انس و امام صادق عليه السلام

مالك بن انس (97 - 179 ه. ق.) یکی از پیشوایان چهارگانه اهل سنت و جماعت و رئیس فرقه مالکی است که مدتی افتخار شاگردی امام صادق علیه السلام نصیب وی شد. (4) او در باره عظمت و شخصیت علمی و اخلاقی امام صادق علیه السلام چنین می‌گوید:

"و لقد كنت أتى جعفر بن محمد و كان كثيرالمزاح و التيسيم، فاذا ذكر عنده النبي(ص) اخضر و اصفر، و لقد اختلفت اليه زمانا و ما كنت اراه الا على ثلاث خصال: اما مصليا و اما صائما و اما يقرأ القرآن. و ما رأته قط يحدث عن رسول الله(ص) الا على الطهاره و لا يتكلم فى ما لا يعنيه و كان من العلماءالزهاد الذين يخشون الله و ما رأته قط الا يخرج الوساده من تحته و يجعلها تحتى." (5)

"مدتی به حضور جعفر بن محمد می‌رسیدم. آن حضرت اهل مزاح بود. همواره تبسم ملایمی بر لب‌هایش نمایان بود. هنگامی که در محضر آن حضرت نام مبارک رسول گرامی اسلام به میان می‌آمد، رنگ رخساره‌های جعفر بن محمد به سبزی و سپس به زردی می‌گرایید. در طول مدتی که به خانه آن حضرت آمد و شد داشتم، او را ندیدم جز این که در یکی از این سه خصلت و سه حالت به سر می‌برد، یا او را در حال نماز خواندن می‌دیدم و یا در حالت روزه‌داری و یا در حالت قرائت قرآن.

من ندیدم که جعفر بن محمد بدون وضو و طهارت از رسول خدا حدیثی نقل کند. من ندیدم که آن حضرت سخنی بی‌فایده و گزاف بگوید. او از عالمان زاهدی بود که از خدا خوف داشت. ترس از خدا سراسر وجودش را فراگرفته بود.

هرگز نشد که به محضرش شرفیاب شوم، جز این که زیراندازی که زیر پای آن حضرت گسترده شده بود، آن را از زیر پایش برمی‌داشت و زیر پای من می‌گستراند."

مالك بن انس درباره زهد و عبادت و عرفان امام صادق علیه السلام بیان داشت:

به همراه امام صادق علیه السلام به قصد مکه و برای انجام مناسک حج از مدینه خارج شدیم. به مسجد شجره که میقات مردم مدینه است، رسیدیم. لباس احرام پوشیدیم، در هنگام پوشیدن لباس احرام تلبیه‌گویی یعنی گفتن: "لبیک اللهم لبیک" لازم است. دیگران طبق معمول این ذکر را بر زبان جاری می‌کردند."

مالك می‌گوید: من متوجه امام صادق علیه السلام شدم، دیدم حال حضرت منقلب است. امام صادق علیه السلام می‌خواهد لبیک بگوید ولی رنگ رخساره‌اش متغیر می‌شود. هیجانی به امام دست می‌دهد و صدا در گلویش می‌شکند، و چنان کنترل اعصاب خویش را از دست می‌دهد که می‌خواهد بی‌اختیار از مرکب به زمین بیفتد. مالك می‌گوید: من جلو آمدم و گفتم: ای فرزند پیامبر! چاره‌ای نیست این ذکر را باید گفت. هر طوری که شده باید این ذکر را بر زبان جاری ساخت. حضرت فرمود:

"یا بن ابی عامر! کیف احسر ان اقول لبیک اللهم لبیک و اخشی ان یقول عزوجل لا لبیک و لا سعديک."

ای پسر ابی‌عامر! چگونه جسارت بورزم و به خود جرات و اجازه بدهم که لبیک بگویم؟ "لبیک" گفتن به معنای این است که خداوند، تو مرا به

آن چه می‌خوانی با سرعت تمام اجابت می‌کنم و همواره آماده انجام آن هستم. با چه اطمینانی با خدای خود این‌طور گستاخی کنم و خود را بنده آماده به خدمت معرفی کنم؟! اگر در جوابم گفته شود: "لا لبيك و لا سعديك" آن وقت چه کنم؟ (6)

همو در سخنی دیگر درباره فضیلت و عظمت امام صادق علیه السلام می‌گوید:

"ما رأيت عين و لا سمعت اذن و لا خطر على قلب بشر افضل من جعفر بن محمد" (7) ؛ هیچ چشمی ندیده است و هیچ گوش‌شنیده است و به قلب هیچ بشری خطور نکرده است، مردی که با فضیلت‌تر از جعفر بن محمد باشد.

درباره‌ی مالک بن انس نوشته‌اند:

"و كان مالك بن انس يستمع من جعفر بن محمد و كثيرا ما يذكر من سماعه عنه و ربما قال حدثني الثقة يعنيه" ؛ مالك بن انس از جعفر بن محمد سماع حدیث می‌نمود و بسیار آن چه را که از او سماع (گوش می‌کرد) می‌کرد، بیان می‌نمود و چه بسا می‌گفت: این حدیث را مردی ثقة به من حدیث کرده است که مرادش جعفر بن محمد بود. (8)

حسین بن یزید نوفلی می‌گوید:

"سمعت مالك بن انس الفقيه يقول والله ما رأت عيني افضل من جعفر بن محمد عليهما السلام زهدا و فضلا و عبادة و ورعا. و كنت اقصده فيكرمني و يقبل على فقلت له يوما يابن رسول الله ما ثواب من صام يوما من رجب ايمانا و احتسابا فقال (و كان والله اذا قال صدق) حدثني ابيه عن جده قال رسول الله(ص) من صام يوما من رجب ايمانا و احتسابا غفر له. فقلت له يابن رسول الله في ثواب من صام يوما من شعبان فقال حدثني ابي عن ابيه عن جده قال رسول الله(ص) من صام يوما من شعبان ايمانا و احتسابا غفر له." (9)

ابوحنیفه بیان داشت:

"ان اعلم الناس اعلمهم باختلاف الناس" ؛ "همانا دانشمندترین مردم کسی است که به آراء و نظریه‌های مختلف دانشوران در مسائل علمی احاطه و تسلط داشته باشد." و چون جعفر بن محمد این احاطه را دارد، بنابراین او داناترین فرد است.

از مالک بن انس فقیه شنیدم که گفت: به خدا سوگند! چشمان من ندید فردی را که از جهت زهد، علم، فضیلت، عبادت و ورع برتر از جعفر بن محمد باشد. من به نزد او می‌رفتم. او با روی باز مرا می‌پذیرفت و گرمی می‌داشت. روزی از او پرسیدم: ای پسر پیامبر! ثواب روزه ماه رجب چه میزان است؟ او در پاسخ روایتی از پیامبر نقل کرد. به خدا سوگند هرگاه چیزی از کسی نقل کند درست و راست نقل می‌کند. او در پاسخ گفت: پدرم از پدرش و از جدش و از پیامبر نقل کرده است که ثواب روزه ماه رجب این است که گناهانش بخشیده می‌شود. سپس این پرسش را در باره روزه ماه شعبان هم بیان کردم و حضرت همان پاسخ را داد.

* ابن شبرمه و امام صادق علیه السلام

عبدالله بن شبرمه بن طفیل ضببی معروف به "ابن شبرمه" (72-144 ه. ق) قاضی و فقیه نامدار کوفه، درباره امام صادق علیه السلام می‌گوید:

"ما ذكرت حديثا سمعته من جعفر بن محمد عليه السلام الا كاد ان يتصرع له قلبي سمعته يقول حدثني ابي عن جدي عن رسول الله" (10) ؛ به یاد ندارم حدیثی را از جعفر بن محمد شنیده باشم جز این که در عمق جانم تأثیر گذاشته باشد. از او شنیدم که در نقل حدیث می‌گفت که از پدرم و از جدم و از رسول خدا این روایت را نقل می‌کنم.

همو گفت:

"واقسم بالله ما كذب على ابيه و لا كذب ابوه على جده و لا كذب جده على رسول الله" (11) ؛ به خدا سوگند! نه جعفر بن محمد در نقل روایات از پدرش دروغ می‌گفت و نه پدرش بر جدش دروغ می‌گفت و نه او بر پیامبر. یعنی آنچه که در سلسله سند روایات جعفر بن محمد وجود دارد جملگی درست است.

* ابن ابی لیلی و امام صادق علیه السلام

شیخ صدوق روایتی نقل می‌کند که محمد بن عبدالرحمان معروف به "ابن ابی لیلی" (-74 148 ه. ق) فقیه، محدث، مفتی و قاضی بنام کوفه نزد امام صادق علیه السلام رفت و از آن حضرت پرسش‌هایی نمود و پاسخ‌های خوبی شنید. سپس به امام خطاب کرد و عرض نمود:

"اشهد انکم حجج الله علی خلقه" (12) ؛ شهادت می‌دهم که شما حجت‌های خداوندی بر بندگانش هستید.

* عمرو بن عبید معتزلی و امام صادق علیه السلام

"عمرو بن عبید معتزلی" به نزد امام جعفر بن محمد علیه السلام مشرف شد، وقتی رسید این آیه را تلاوت نمود: "الذین یجتنبون کبائر الاثم و الفواحش." (13)

سپس ساکت شد. امام صادق علیه السلام فرمود: چرا ساکت شدی؟ گفت: خواستم که شما از قرآن گناهان کبیره را یکی پس از دیگری برای من بیان نمایید. حضرت شروع کرد و به ترتیب از گناه بزرگ‌تر یکی پس از دیگری را بیان نمود. از بس که امام خوب و عالی پاسخ عمرو بن عبید را داد که در پایان عمرو بن عبید بی‌اختیار گریست و فریاد زد:

"هلاک من قال براءیه و نازعکم فی الفضل و العلوم" (14) ؛ هر کس به رای خویش سخن بگوید و در فضل و علم با شما منازعه کند، هلاک می‌شود.

* جاحظ و امام صادق علیه السلام

"ابو بحر جاحظ بصری" که از دانشوران مشهور قرن سوم بود، درباره امام صادق علیه السلام بیان داشت:

"جعفر بن محمد الذی ملا الدنیا علمه و فقهه و یقال ان اباحنیفه من تلامذته و کذلک سفیان الثوری و حسبک بهما فی هذاالباب" (15) ؛ جعفر بن محمد کسی بود که علم و فقه آن حضرت جهان را پر کرده است و گفته می‌شود که ابوحنیفه و سفیان ثوری از شاگردان او بودند. همین در عظمت علمی آن حضرت کافی است.

* عمر بن مقدم و امام صادق علیه السلام

"عمر بن مقدم" از علمای معاصر امام صادق علیه السلام درباره آن حضرت می‌گوید:

"كنت اذا نظرت الی جعفر بن محمد علمت انه من سلالة النبیین و قد رأیته واقفا عند الجمره یقول سلونی، سلونی" (16) ؛ هنگامی که جعفر بن محمد را می‌دیدم، می‌فهمیدم که او از نسل پیامبران است. خودم دیدم که در جمره منا ایستاده بود و از مردم می‌خواست که از او بپرسند و از علم سرشار او بهره‌مند شوند ...

* شهرستانی و امام صادق علیه السلام

ابوالفتح محمد بن ابی‌القاسم اشعری معروف به "شهرستانی" (547-479 ه. ق) در کتاب گرانسنگ "الملل و النحل" درباره عظمت امام صادق علیه السلام می‌نویسد:

"و هو ذو علم عزیز فی الدین و ادب کامل فی الحکمه و زهر بالغ فی الدنیا و ورع تام عن الشهوات" (17) ؛ امام صادق علیه السلام در امور و مسایل دینی، از دانشی بی‌پایان و در حکمت، از ادبی کامل و نسبت به امور دنیا و زرق و برق‌های آن، از زهدی نیرومند برخوردار بود و از شهوت‌های نفسانی دوری می‌گزید.

* ابن خلکان و امام صادق علیه السلام

ابن خلکان درباره امام صادق علیه السلام می‌نویسد:

"احد الائمة الاثنی عشر علی مذهب الامامیه و کان من سادات اهل‌البیت و لقب بالصادق لصدق مقالته و فضله اشهر من ان یذکر" ؛ او یکی

از امامان دوازده‌گانه امامیه و از بزرگان اهل‌بیت رسول خدا بود. به جهت صدق در گفتارش به لقب صادق شهرت یافت و فضل او مشهورتر از آن است که نیازمند به توضیح داشته باشد.

ابن خلکان همچنین می‌نویسد: امام صادق علیه السلام در صنعت کیمیا (شیمی) از مهارت خاصی بهره‌مند بود، ابوموسی جابر بن حیان طرطوسی، شاگرد ایشان بود. جابر کتابی شامل هزار ورق تالیف کرد که تعلیمات جعفر بن محمد را در برداشت و حاوی پانصد رساله بود. (18)

"نعمان بن ثابت بن زوطی" معروف به "ابو حنیفه" (80 - 150 ه.ق.) پیشوای فرقه حنفی که از نظر زمانی معاصر با امام صادق علیه السلام بود، درباره عظمت امام صادق علیه السلام اظهارات و اعترافات خوبی دارد. از جمله درباره آن حضرت گفت: "ما رأیت افقه من جعفر بن محمد و انه اعلم الامه"؛ من فقیه‌تر و داناتر از جعفر بن محمد ندیده‌ام. او داناترین فرد این امت است.

* ابن حجر عسقلانی و امام صادق علیه السلام

شهاب الدین ابوالفضل احمد بن علی مصری شافعی، مشهور به "ابن حجر عسقلانی" (852-773 ه.ق.) درباره امام صادق علیه السلام می‌گوید:

"جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب فقیهی است بسیار راست گفتار." (19)

ابن حجر در کتاب تهذیب التهذیب از ابی‌حاتم و او از پدرش نقل می‌کند که درباره امام صادق علیه‌السلام بیان داشت: "لا یسأل عن مثله." و نیز می‌نویسد: ابن عدی گفته است:

"و لجعفر احادیث و نسخ و هو من ثقات الناس ... و ذكره ابن حبان فی الثقات و قال كان من سادات اهل البيت فقها و علما و فضلا ... و قال النسای فی الجرح و التعديل ثقہ." (20)

برای جعفر بن محمد احادیث و نسخه‌های بسیار است. او از افراد موثق است. ابن حبان او را در زمره ثقات قرار داده است و گفته است: جعفر بن محمد از بزرگان اهل‌بیت رسول خدا است و از جهت فقه، علم و فضل مقام بالایی دارد. "نسای" در جرح و تعدیل، امام صادق علیه السلام را از افراد "ثقه" معرفی کرده است.

* صاحب "سیر اعلام النبلاء" و امام صادق علیه السلام

صاحب "سیر اعلام النبلاء" درباره امام صادق علیه السلام می‌نویسد:

جعفر بن محمد بن علی بن حسین که از فرزندان حسین بن علی ریحانه رسول خدا است، یکی از بزرگان است که مادرش "ام فروه" دختر قاسم بن محمد بن ابی‌بکر است و مادر ام فروه "اسماء" دختر عبدالرحمان بن ابی‌بکر است. به همین جهت است که آن حضرت می‌گفت: من از دو جهت به ابوبکر منتسبم. او بزرگ بنی‌هاشم است. از محضر علمی او افراد بسیاری کسب فیض کردند، از جمله، فرزندش "موسای کاظم"، "یحیی ابن سعید انصاری"، "یزید بن عبدالله"، "ابوحنیفه"، "ابان بن تغلب"، "ابن جریح"، "معاویة بن عمار"، "ابن اسحاق"، "سفیان"، "شعبه"، "مالک"، "اسماعیل بن جعفر"، "وهب بن خالد"، "حاتم بن اسماعیل"، "سلیمان بن بلال"، "سفیان بن عیینه"، "حسن بن صالح"، "حسن بن عیاش"، "زهیر بن محمد"، "حفص بن غیاث"، "زید بن حسن"، "انماطی"، "سعید بن سفیان اسلمی"، "عبدالله بن میمون"، "عبدالعزیز بن عمران زهری"، "عبدالعزیز دراورى"، "عبدالوهاب ثقفی"، "عثمان بن فرقد"، "محمد بن ثابت بنانی"، "محمد بن میمون زعفرانی"، "مسلم زنجی"، "یحیی قطان"، "ابوعاصم نبیل" و ... (21)

همو در کتاب "میزان الاعتدال" می‌نویسد:

جعفر بن محمد یکی از امامان بزرگ است که مقامی بس بزرگ دارد و نیکوکار و صادق است. (22)

* ابن حجر هیتمی و امام صادق علیه السلام

شهاب الدین ابوالعباس، احمد بن بدرالدین شافعی، معروف به "ابن حجر هیتمی" (909 - 974 ه.ق.) در "صواعق المحرقة" درباره امام صادق علیه السلام می‌نویسد:

مردم از آن حضرت دانش‌های بسیاری فرا گرفته‌اند. این علوم و دانش‌ها توسط مسافران به همه جا راه یافت و سرانجام آوازه جعفر بن محمد در همه جا پیچیده شد. عالمان بزرگی مانند "یحیی بن سعید"، "ابن جریج"، "مالک"، "سفیان ثوری"، "سفیان بن عیینه"، "ابوحنیفه"، "شعبه" و "ایوب سجستانی" از او حدیث نقل کرده‌اند. (23)

* میرعلی هندی و امام صادق علیه السلام

"میرعلی هندی" که از علمای نامدار اهل سنت است و در همین دوره معاصر می‌زیست درباره عظمت علمی و اخلاقی امام صادق علیه السلام می‌گوید:

آراء و فتاوی دینی تنها نزد سادات و شخصیت‌های فاطمی رنگ فلسفی به خود گرفته بود. گسترش علم در آن زمان، روح بحث و جستجو را برانگیخته بود و بحث‌ها و گفتگوهای فلسفی در همه اجتماعات رواج یافته بود. شایسته ذکر است که رهبری این حرکت فکری را حوزه علمی‌ای که در مدینه شکوفا شده بود، بر عهده داشت. این حوزه را نبیره علی بن ابی طالب علیه السلام به نام امام جعفر که "صادق" لقب داشت، تاسیس کرده بود. او پژوهشگری فعال و متفکری بزرگ بود و با علوم آن عصر به خوبی آشنایی داشت و نخستین کسی بود که مدارس فلسفی اصلی را در اسلام تاسیس کرد.

در مجالس درس او تنها کسانی که بعدها مذاهب فقهی را تاسیس کردند، شرکت نمی‌کردند بلکه فلاسفه و طلاب فلسفه از مناطق دور دست در آن حاضر می‌شدند.

"حسن بصری" مؤسس مکتب فلسفی "بصره" و "واصل بن عطا" مؤسس مذهب "معتزله"، از شاگردان او بودند که از زلال چشمه دانش او سیراب می‌شدند. (24)

پی‌نوشت‌ها:

1- شمس الدین ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج 6، ص 257/ تاریخ‌الکبیر، ج 2، ص 199 و 198، ح 2183.

2- سیر اعلام النبلاء، ج 6، ص 258/ بحارالانوار، ج 47، ص 217.

3- شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 519، طبع قم، نشر اسلامی.

4- سیر اعلام النبلاء، ج 6، ص 256.

5- ابن تیمیه، التوسل و الوسیله، ص 52/ جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص 327.

6- شیخ صدوق، امالی، ص 143، ح 3.

7- شهید مطهری، سیری در سیره ائمه اطهار علیهم السلام، ص 149.

8- شرح الاخبار فی فضایل الائمه الاطهار، ج 3، ص 299، ح 1203.

9- امالی صدوق، ص 435 و 436، ح 2.

10 و 11- همان، ص 343، ح 16.

12- من لایحضره الفقیه، ج 1، ص 188، ح 569.

13- سوره نجم، آیه 32.

14- کلینی، کافی، ج 2، ص 287-285.

15- رسائل جاحظ، ص106/ حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص328.

16- سیر اعلام النبلاء، ج6، ص257.

17- الملل و النحل، ج1، ص147/ حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص330.

18- وفيات الاعيان، ج1، ص327/ سیره پیشوا، ص353/ حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص330.

19- تقریب التهذیب، ص68.

20- تهذیب التهذیب، ج2، ص104.

21- سیر اعلام النبلاء، ج6، ص255 و 256.

22- لغت نامه دهخدا، ج9، ص-130 323.

23- الصواعق المحرقة، ص201.

24- مختصر تاریخ العرب، ص193/ سیره پیشوایان، ص352.

مذهب نیوز